

واکاوی چالش‌ها و فرصت‌های آموزش شهروند الکترونیک در دوره ابتدایی (یک مطالعه پدیدارشناسانه)

علی رادمهر

هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۶ بهمن ۱۴۰۰

دریافت: ۹ آذر ۱۴۰۰

Analyzing the Challenges and Opportunities of E-Citizen Education in Primary School (A Phenomenological Study)

Ali Radmehr

Faculty of Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 30 November 2021

Accepted: 5 February 2022

Original Article

مقاله پژوهشی

Abstract

The purpose of this study was to understand the lived experiences of teachers of the challenges and opportunities of e-citizenship education in elementary school. This qualitative research was conducted using the phenomenological method. The method of data collection was the use of semi-structured interviews. The statistical population of the present study was all teachers who were familiar with the subject. For this purpose, the data were collected by interviewing 15 teachers who had lived experience in the field. And analyzed by Strabert and Carpenter (2003). The analysis of the interviews identified four main themes including cultural challenges, social challenges, economic and structural challenges, and 19 sub-themes. Opportunities and challenges include full participation, familiarity with diversity, cultural maturity, focus on the interests of the child, non-prescriptive nature, avoidance of prejudice, practicality, cost-effectiveness, avoidance of wasted resources, loss of dry communication between teachers and learners, the direct relationship between teacher and learner, risk of cultural rupture, ethnic and cultural stereotypes, cultural narcissism. The risk of intellectual fragmentation was the risk of superior self-exaltation, high cost of infrastructure, complex and multi-layered structure, and confusion. Therefore, it can be said that e-citizen education is associated with many challenges and opportunities. These challenges are very important in the various elements of the curriculum.

Keywords

Education, E-Citizen, Elementary School.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر فهم تجارب زیسته معلمان از چالش‌ها و فرصت‌های آموزش شهروند الکترونیک در دوره ابتدایی بود. این پژوهش کیفی با استفاده از روش پدیدارشناسی اجرا شد. روش گردآوری اطلاعات استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه معلمان بودند که با موضوع پژوهش آشنایی داشتند. بدین منظور داده‌ها با مصاحبه از ۱۵ نفر از معلمان که تجربه زیسته‌ای در زمینه مورد نظر را داشتند جمع‌آوری و به روش استرابرت و کارپنتر (۲۰۰۳) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از چهار مضمون اصلی از جمله چالش‌های فرهنگی، چالش‌های اجتماعی، چالش‌های اقتصادی و ساختاری بود و ۱۹ زیرمضمون در قالب فرصت و چالش‌ها شامل مشارکت همه‌جانبه، آشنایی با تنوع، بلوغ فرهنگی، تمرکز بر علائق کودک، ماهیت غیر تجویزی، دوری از تعصب، کاربردی بودن، مقرون به صرفه بودن، پرهیز از هدر رفت منابع، از بین رفتن ارتباط خشک بین معلم و یادگیرنده، ارتباط مستقیم بین معلم و یادگیرنده، خطر گسست فرهنگی، کلیشه‌های قومی و فرهنگی، خودشیفتگی فرهنگی، خطر چندپاره شدن فکری، خطر خود برتری برتر بینی، هزینه زیاد زیرساختی، ساختار پیچیده و چندلایه و آشفتگی بود. بنابراین می‌توان گفت آموزش شهروند الکترونیک با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی همراه است. فلذا برای پرداختن به این نوع از آموزش در دوره ابتدایی توجه به این چالش‌ها در عناصر مختلف برنامه درسی بسیار حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی

آموزش، شهروند الکترونیک، دوره ابتدایی.

* نویسنده مسئول: علی رادمهر

*Corresponding Author: Ali Radmehr

ایمیل نویسنده مسئول: Radmehr1355@yahoo.com

مقدمه

تأثیری که امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر زندگی انسان گذاشته است بر هیچ‌کس پوشیده نیست (رام و فیجز، ۲۰۱۷). این تحول عظیم در زندگی بشر امروزی وارد همه‌ی حیطه‌ها و عرصه‌های زندگی شهروندان شده و دگرگونی‌های مختلف و متنوعی را موجب گردیده است (ساراسون و همکاران، ۲۰۱۵). به‌گونه‌ای که با گسترده شدن نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، زندگی روزمره و تعاملات اجتماعی شهروندان بدون آگاهی لازم در مورد کاربردهای ICT مختل خواهد شد (سالیان، ۲۰۱۶). وانگ و دیگران^۳ (۲۰۱۰) معتقدند که تأثیرات نوین ICT^۴ در زندگی روزمره، کنش متقابل میان شهروندان را متاثر ساخته و فرایند جدیدی از ارتباطات را به وجود آورده است. اینترنت نیز به عنوان یکی از ابزارهای ICT، منجر به تقویت ارتباطات متنوع بین افراد و ایجاد اشکال جدیدی از ارتباطات با دیگران شده است (شپارد، ۲۰۱۵). یکی از اشکال جدید ارتباطی، پدیده‌ای به نام شهروندی مجازی است (سانکو، هرناندز و ریورا، ۲۰۱۶). در یک دهه اخیر تمایل به آموزش شهروندی مجازی در کشورهای مختلف افزایش یافته است و اینکارات ملی مهمی در کشورهای استرالیا (شورای برنامه‌ریزی درسی، ۲۰۰۵)، انگلستان (کلور، ایرلند، کر و لویز، ۲۰۱۰)، و ایالات متحده (مؤسسه کارنگی نیویورک، ۲۰۰۹) در زمینه آموزش شهروند مجازی صورت گرفته است. پژوهشگران مختلفی نیز (آریف، ۲۰۱۶؛ اورتجا و گابریل، ۲۰۱۵؛ سانابریا و سپادا، ۲۰۱۶؛ گرمین، ۲۰۱۵؛ سیمسک و سیمسک، ۲۰۱۳؛ وایکانو، ۲۰۱۵؛ سالیان، ۲۰۱۶) بر تعریف شهروند مجازی، دلالت‌های شهروند مجازی و تأثیر آن بر جامعه و نقشی که افراد در ارتباط با شهروندی باید ایفا کنند، تمرکز کرده‌اند و شهروند مجازی را فردی که توانایی لازم برای کار با اینترنت و کامپیوتر را برخوردار باشد و بتواند از اینترنت در ارتباطات خود و امورات مختلف زندگی استفاده کند تعریف

کرده‌اند (بتینلی، ۲۰۱۲). برخی از پژوهشگران نیز معتقدند شهروند مجازی دارای دو بعد سواد مجازی (هایوان و تیتا^{۱۶}، ۲۰۱۷) و مهارت مجازی (هینتز و براون^{۱۷}، ۲۰۱۷) است. به‌طور کلی مورد شهروند مجازی تعاریف گوناگونی ارائه شده است اما با وجود تفاوت‌هایی که در این تعاریف وجود دارد، آنها در ارائه‌ی مفهوم شهروند مجازی در یک مورد مشترک هستند و آن توانایی استفاده از ICT و اینترنت می‌باشد. شهروند مجازی کسی است که از حداقل دانش لازم درباره مفاهیم پایه کامپیوتر و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی برخوردار است، توانایی ارتباط با اینترنت و ارسال و دریافت پیام‌های الکترونیک را از طریق پست الکترونیک و شبکه‌های مجازی را دارد و همچنین می‌تواند اطلاعات مربوط به خدمات، کالاها و نرم افزارهای مورد نیاز خود را از طریق اینترنت جستجو کند (کارادمان^{۱۸}، ۲۰۱۷). ضمن اینکه چنین فردی باید نسبت به تأمین امنیت شخصی و خانواده در برابر آسیب‌های اینترنت آگاهی داشته و بتواند امور مختلف زندگی خود را تا حد امکان از طریق شبکه‌های اینترنتی انجام دهد (سرافرازی و معمارزاده، ۱۳۸۸).

وانگ و دیگران (۲۰۱۰) معتقدند شهروند مجازی کسی است که به اینترنت متصل شده و از خدمات گوناگون آن بهره‌مند شوند. در تعریف دیگری شهروند مجازی به کسی گفته شده است که قادر باشد در انجام امور روزانه خود از فناوری اطلاعات استفاده و خدمات مورد نیاز خود را از دفاتر، انجمن‌ها و سازمان‌هایی که از ابزارهای سیستم الکترونیک استفاده می‌کند دریافت نماید (سینگ^{۱۹}، ۲۰۱۷). در هر صورت جدای از تعاریف شهروند مجازی به نظر می‌رسد که آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی گسترده و متولی آموزش رسمی می‌تواند نقش بسیار مهمی در تربیت و آموزش شهروند مجازی ایفا نماید. مدرسه به‌عنوان قلب نظام آموزشی کانال و مجرای مناسب برای انتقال مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و باورهاست (فتحی و سعادت‌مند، ۱۳۹۴). یکی از این مهارت‌ها، مهارت شهروند مجازی است که مدرسه می‌تواند نقش مهمی در آن ایفا کند، مدرسه مکان مهمی برای دانش‌آموزان جهت تمرین رفتارها و تعاملات مجازی خود با دیگران است (لطف آبادی، ۱۳۹۰). به‌عبارتی می‌توان گفت مسئولیت اصلی پرورش مهارت‌های شهروندی مجازی بر دوش نظام آموزش و پرورش است که باید به‌گونه‌ای عمل کند که از دانش‌آموزان در این زمینه به شهروندانی فعال و مسئول مبدل شوند (فتحی

1. Rahm & Fejes
2. Searson et al
3. Wang, Heng, Hou, Jinchang
4. Information and Communications Technology
5. Shepherd
6. Sancho, Hernández & Rivera
7. Cleaver, Irland, Kere & Lopes
8. Carnegie Corporation of New York
9. Arif
10. Ortega-Gabriel
11. Sanabria & Cepeda
12. Gorman
13. Simsek & Simsek
14. Waikato
15. Sullivan

16. Hivon & Titah
17. Hintz & Brown
18. Karaduman
19. Singh

نوشته شد. بعد از اینکه مصاحبه ضبط شده به صورت مکتوب درآمد برای تایید روایی مصاحبه‌ها از روش "چک اعضا" استفاده شد. بدین ترتیب که متن مکتوب مصاحبه دوباره برای شرکت کنندگان فرستاده شد تا صحت و سقم مطالب تایید و در صورت لزوم مطالب اصلاح گردد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش استرابت و کارپنتر (۲۰۰۳) انجام شد. روش مذکور شامل توصیف پدیده مورد نظر توسط محقق، کنارگذاری پیش فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت کنندگان، استخراج جوهره‌ها، پیدا کردن روابط اساسی، نوشتن توصیفی از پدیده، برگرداندن توصیف به شرکت کنندگان و کسب تایید آنان، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌ها می‌باشد (ادیب حاج باقری، پرویزی، صلصالی، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

پس از عملیاتی کردن مجموع ۱۵ مصاحبه با معلمان که تجربه خوبی در زمینه مورد نظر داشتند و مطالعه چندین باره آنها چهار مضمون اصلی و ۱۹ زیر مضمون در قالب فرصت و چالش‌ها شامل مشارکت همه جانبه، آشنایی با تنوع، بلوغ فرهنگی، تمرکز بر علایق کودکان، ماهیت غیر تجویزی، دوری از تعصب، کاربردی بودن، مقرون به صرفه بودن، پرهیز از هدر رفت منابع، از بین رفتن ارتباط خشک بین معلم و یادگیرنده، ارتباط مستقیم بین معلم و یادگیرنده، خطر گسست فرهنگی، کلیشه‌های قومی و فرهنگی، خودشیفتگی فرهنگی، خطر چند پاره شدن فکری، خطر خود برتری برتر بینی، هزینه زیاد زیرساختی، ساختار پیچیده و چند لایه و آشفتگی. این ۱۹ زیر مضمون در دسته‌بندی موضوع‌های اصلی قرار گرفت و به این ترتیب از آنها چهار مضمون اصلی شامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ساختاری به دست آمد.

واجارگاه، ۱۳۹۲). بدون شک نظام آموزشی به خصوص مقطع ابتدایی در راه تربیت شهروند مجازی با مشکلات و چالش‌های اساسی رو به رو است، بنابراین مساله اصلی پژوهش حاضر پرداختن به این چالش‌ها و موانع است. سؤال تحقیق چالش‌ها و فرصت‌های آموزش شهروند الکترونیک در مقطع ابتدایی کدامند؟

روش

روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی بود. به منظور پاسخ دهی به سؤال پژوهش، از مصاحبه نیمه ساختارمند با معلمان این زمینه استفاده شد. کانون توجه مشارکت کنندگان پژوهش شامل همه‌ی معلمان بود که در موضوع فوق تجربه داشتند. تعداد نمونه‌های تحقیق ۱۵ معلم بود که از هر ۱۵ مورد مصاحبه به عمل آمده است. شرکت کنندگان تحقیق بر اساس نمونه گیری هدفمند و به صورت روش گلوله برفی انتخاب شدند.

تعیین تعداد نمونه‌ها بر اساس اشباع اطلاعاتی محقق صورت گرفت؛ یعنی تعداد مصاحبه‌ها تا آنجا پیش رفت که اطلاعات محقق در زمینه‌ی پژوهش اشباع شد و بعد از آن اطلاعات دیگری بر آن افزوده نشد.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر از روش مصاحبه استفاده شد، در بحث سنجش اعتبار پژوهش، سؤالات مصاحبه بعد از اینکه طراحی شد توسط ۴ تن از اساتید متخصص در حوزه مربوطه اصلاح و تایید گردید. برای ثبت مصاحبه‌ها، همه‌ی مکالمات انجام شده به صورت صوتی ضبط گردید. سپس مصاحبه‌های ضبط شده توسط خود پژوهشگر به دقت گوش داده شد و کلمه به کلمه

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از مصاحبه‌ها

مضامین اصلی	مضامین فرعی فرصت‌ها	مضامین فرعی چالش‌ها
فرهنگی	مشارکت همه جانبه	خطر گسست فرهنگی
	آشنایی با تنوع	کلیشه‌های قومی و فرهنگی
	بلوغ فرهنگی	خودشیفتگی فرهنگی
اجتماعی	تمرکز بر علایق کودکان	خطر چند پاره شدن فکری
	ماهیت غیر تجویزی	خطر خود برتری
	دوری از تعصب	
	کاربردی بودن	
اقتصادی	مقرون به صرفه بودن	هزینه‌های زیاد زیرساختی
	پرهیز از هدر رفت منابع	
ساختاری	از بین رفتن ارتباط خشک بین معلم و یادگیرنده	ساختار پیچیده و چند لایه
	ارتباط مستقیم معلم و یادگیرنده	آشفتگی

مضمون اول: فرهنگی

فرصت‌ها

مشارکت همه جانبه: آموزش شهروند الکترونیک در دوره ابتدایی منجر به مشارکت بیشتر کودک در جامعه می‌شود، یکی از مشارکت کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که: وقتی از کودکی به دانش آموزان یاد بدیم که چطور شهروند مفیدی باشن از لحاظ مجازی باعث میشه مشارکت کاملی توی اجتماع مجازی و واقعی داشته باشن (مشارکت کننده شماره ۶).

آشنایی با تنوع: یکی دیگر از مزایای آموزش شهروند الکترونیک آشنایی با تنوع هست، در همین ارتباط یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کند که:

فضای مجازی فرصت خوبی برای آشنایی با تنوع فراهم میکنه و اگر در این زمینه کودکان بخوبی آموزش ببینن بینش خوبی نسبت به تنوع و پذیرش اون پیدا می‌کنن. (مشارکت کننده شماره ۴).

بلوغ فرهنگی: مساله بلوغ فرهنگی یکی دیگر از نکات مهم در آموزش شهروند الکترونیک است، یکی از مشارکت کنندگان در همین ارتباط بیان می‌کند که:

اگر بخوایم کودک ما فردا روز در جامعه از خودش نبوغ فرهنگی نشون بده بهترین راه شروع آموزش شهروندی به خصوص الکترونیک هست (مشارکت کننده ۸).

چالش‌ها

خطر گسست فرهنگی: آموزش شهروند الکترونیک با خطر گسست فرهنگی نیز همراه است. یکی از مشارکت کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

شما وقتی بخوای آموزش شهروند الکترونیک داشته باشی و توی اون به همه فرهنگ‌ها توجه کنی ممکنه ناخواسته و ناهوشیارانه فرهنگی خاص رو بیشتر برجسته کنی و این مساله منجر به جدایی فرهنگ‌ها از هم بشه (مشارکت کننده شماره ۳).

کلیشه‌های قومی و فرهنگی: واکنش منفی فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر از جمله مواردی است که افراد بسیاری به آن اشاره کرده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

فرض کنیم با آموزش شهروندی الکترونیک رو دوره ابتدایی اجرا کردیم خب باید نمادهایی از همه فرهنگ‌ها توی این نوع آموزش بذاریم گاهی اوقات از این نمادها سوء تفسیر میشه و باعث کلیشه‌های قومی میشه (مشارکت کننده شماره ۱۴).

خودشیفتگی فرهنگی: یکی از مواردی که بسیاری از افراد پژوهش حاضر به آن اشاره کرده‌اند مساله خودشیفتگی فرهنگی است. یکی از افراد مشارکت کننده در این باره بیان می‌کند که:

همونطور که میدونید بعضی از قومیت‌ها و فرهنگ‌ها ادعا دارن نسبت به دیگری بر ترن، اگه ما بخوایم با آموزش شهروند الکترونیک به برخی از این فرهنگ‌ها بپردازیم چطور می‌تونید جلو این خودشیفتگی رو بگیرید (مشارکت کننده شماره ۶).

مضمون دوم: اجتماعی

فرصت‌ها

تمرکز بر علایق یادگیرنده: از جمله ویژگی‌های مهم آموزش شهروند الکترونیک تأکید فراوان این رویکرد بر محور قرار دادن علایق یادگیرنده در محتوا است. یکی از مشارکت کنندگان در همین ارتباط بیان می‌کند که:

توی آموزش شهروند الکترونیک تمرکز روی علاقه یادگیرنده هست، این علاقه یادگیرنده هست که همه چیز رو هدایت میکنه. (مشارکت کننده شماره ۱)

غیر تجویزی بودن: عدم تجویز یکی دیگر از مزایای آموزش شهروند الکترونیک است. یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه بیان می‌کند که:

تو آموزش شهروند الکترونیک هیچ تجویز و اجباری وجود نداره بلکه بر اساس علائق کودک نقطه آموزش شروع میشه (مشارکت کننده شماره ۷).

کاربردی بودن: کاربردی بودن آموزش شهروند الکترونیک و ارتباط آن با زندگی دانش‌آموزان یکی دیگر از مضامینی بود که افراد مشارکت کننده در تحقیق به کرات از آن زیاد کردند.

یکی از مشارکت کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

به نظر من برقراری ارتباط با جامعه و زندگی واقعی کودک یکی از ویژگی‌های برجسته آموزش شهروند الکترونیک است، محتوای این آموزش جدای از مسائل زندگی کودک نیست (مشارکت کننده شماره ۹).

دوری از تعصب: پرهیز از برخوردهای متعصبانه از جمله مواردی است که در این نوع آموزش به آن توجه خاصی می‌شود. یکی از مشارکت کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

توی آموزش شهروند الکترونیک سعی میشه به همه علائق و تفاوت‌ها پرداخته بشه و از این روی تعصب خاصی در این نوع آموزش نیست (مشارکت کننده شماره ۴).

چالش‌ها

خطر چند پاره شدن فکری: در آموزش شهروند الکترونیک به امکان چندپارگی فکر وجود دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

ویژگی مهم آموزش شهروند الکترونیک تأکید تأکید گرایی هست که این ویژگی ممکنه با خطر چندپارگی فکری همراه بشه (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

خطر خود برتری قومی: خود برتری قومی از جمله دیگر خطراتی است که با اجرای این نوع آموزش امکان بروز آن وجود دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان می‌کند که:

ممکنه آموزش شهروند الکترونیک مثل یه تیغ دو لبه عمل کنه و برخی قومیت‌ها از این فضا برای گسترش حس برتری خودشون استفاده کنن (مشارکت‌کننده شماره ۵).

مضمون سوم: اقتصادی

فرصت‌ها

مقرون به صرفه بودن: صرفه اقتصادی یکی از مزایای آموزش شهروند الکترونیک می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره بیان می‌کند که:

از طریق آموزش شهروند الکترونیک میشه در یک زمان واحد و با امکانات یکسانی گروه زیادی از افراد رو تحت تربیت قرار داد (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

پرهیز از هدر رفت منابع: منابع مالی و مادی در آموزش شهروندی الکترونیک کمتر هدر می‌رود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

از آنجایی که توی این نوع آموزش همه چیز ساختارمند و روشن هست منابع مالی کمتر حیف و میل میشن (مشارکت‌کننده شماره ۹).

مضمون چهارم: ساختاری

فرصت‌ها

از بین رفتن ارتباط خشک بین معلم و یادگیرنده: در آموزش شهروند الکترونیک ارتباط خشک بین معلم و یادگیرنده به حداقل می‌رسد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

توی این نوع آموزش معلم و دانش آموز براحتی و بدون هراس با همدیگه ارتباط برقرار میکنن و این مساله بیشتر ناشی از فضایی هست که توی این آموزش حاکمه (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

ارتباط مستقیم معلم و یادگیرنده: در این رویکرد ارتباط مستقیم و فوری بین یادگیرنده و معلم وجود دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

من می‌تونم بگم توی آموزش شهروند الکترونیک ارتباط از طریق یک کلیک صورت میگیره فقط کافیه شما کلیک کنید تا به معلم دسترسی پیدا کنید (مشارکت‌کننده شماره ۷).

چالش‌ها

ساختار پیچیده و چند لایه: در این رویکرد ساختار چند وجهی وجود دارد که یکی از مشکلات اصلی آن است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

ساختار پیچیده آموزش شهروند الکترونیک به‌خصوص بعد نرم افزاری اون باعث میشه تا حدودی دانش آموزان دچار مشکل بشن (مشارکت‌کننده شماره ۱۰).

آشناگی: آشناگی یکی دیگر از معایب در این رویکرد است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه بیان می‌کند که:

آموزش شهروند الکترونیک ذاتاً با آشناگی‌های همراه است که باعث میشه کودکان نیز در ابهام بشن (مشارکت‌کننده شماره ۱).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در دو قسمت چالش‌ها و فرصت‌های آموزش شهروند الکترونیک ارائه شد. در قسمت مرتبط با فرصت‌های آموزش شهروند الکترونیک به مسائلی چون مشارکت همه جانبه دانش آموز، تمرکز بر علائق یادگیرنده، مقرون به صرفه بودن، از بین بردن ارتباط خشک بین معلم و دانش آموز اشاره شد. پژوهش‌های متعددی یافته‌های این قسمت از پژوهش حاضر را تایید نموده‌اند به‌طور مثال چن هسیه و همکاران (۲۰۱۶) اعتقاد دارند که آموزش شهروند

چالش‌ها

هزینه‌های زیاد زیرساختی: زیر ساخت‌های آموزش شهروند الکترونیک مستلزم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این ارتباط بیان می‌کند که:

هرچند آموزش شهروند الکترونیک بعد از اجرا هزینه کمی داره اما هنگام راه اندازی مستلزم هزینه‌های بسیاری زیادی برای زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری هست (مشارکت‌کننده شماره ۸).

عدم رشد شهروندی الکترونیک برخوردارند به طوری که بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌های تعیین شده در این زمینه، تحت تأثیر مسائل اقتصادی قرار می‌گیرد. این دسته از موانع شامل موانعی از جمله: کمبود بودجه، کمبود امکانات، مسائل اداری بودجه ریزی، مقرون به صرفه نبودن، اتلاف بودجه، عدم مشارکت اقتصادی ذی نفعان، نگاه اقتصادی زود بازده و عدم حمایت بخش خصوصی می‌شود. پژوهش‌های متعددی بر تأثیر مسائل اقتصادی بر رشد یا عدم رشد آموزش شهروندی به خصوص شهروندی الکترونیک صحنه گذاشته‌اند. به طور مثال حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان شاخص‌های شهروندی الکترونیک، حمایت‌های مادی و معنوی و وجود زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری را یکی از عوامل علی تأثیرگذار در توسعه شهروندی الکترونیک می‌دانند. کوک (۲۰۱۸) نیز ضعف زیرساخت‌های تجهیزاتی و انسانی را عاملی مهم در عدم توسعه سواد دیجیتال و شهروندی الکترونیک معرفی می‌کنند که حاکی از تأثیر عوامل اقتصادی در این زمینه است. مایونوسکاس (۲۰۱۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان بررسی موانع آموزش شهروندی الکترونیک در مدارس یونان به مواردی چون نبود تجهیزات و امکانات اشاره می‌کند که حاکی از تأثیرگذاری عوامل اقتصادی بر توسعه آموزش شهروندی الکترونیک است. مسائل مرتبط با بودجه و امکانات مادی همواره از جمله مهم‌ترین موانع در برنامه‌های آموزش شهروندی الکترونیک و مجازی بوده‌اند. اصولاً هر نوع برنامه‌ای فارغ از ماهیت آن برای موفقیت نیاز به حمایت مالی و تجهیزاتی و زیرساختی دارد. رشد شهروندی مجازی نیز از این قاعده مستثنا نیست. بودجه‌هایی که در نهاد آموزش و پرورش به این مسائل اختصاص می‌یابد بسیار اندک و ناچیز است، مقدار زیادی از این بودجه‌ها نیز در قسمت‌های دیگر مصرف می‌شود. در حال حاضر مشارکت مالی در مساله مهمی چون شهروندی مجازی در پایین‌ترین حد خود قرار دارد. سیستم بوروکراتیک و ناکارآمدی اداری نیز در این موضوع دمیده است. هزینه‌های که برای تجهیز دانش آموزان به عنوان قلب تپنده آموزش و پرورش به مهارت‌های شهروندی مجازی می‌شود چندان کارساز نیستند. نهادینه کردن شهروندی مجازی فرایندی بلند مدت با هزینه‌های بلند مدت است اما متأسفانه چنین دیدگاهی در آموزش و پرورش حاکم نیست. دید بازده اقتصادی کوتاه مدت همچون آفتی به جان این نوع از برنامه‌ها افتاده و روز به روز با منطقی و پیش فرض‌های غلط اثربخش بودن این نوع از آموزش را زیر سؤال می‌برند. بنابراین پر واضح است که مشکلات اقتصادی مرتبط با گسترش آموزش شهروندی مجازی فقط و تنها به تخصیص

الکترونیک، محیط یادگیری فعال و تعاملی را رقم می‌زند به طوری که فراگیران به کاربست مفاهیم و درگیری خلاق می‌پردازند. همچنین لی و هانگ (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که رویکرد آموزش شهروندی مجازی و الکترونیک یک سکوی عالی برای یادگیری مشارکتی و فعال از قبیل پشتیبانی از نیازهای فراگیران با تنوعی از ترجیحات یادگیری است. وایت و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های یادگیری فراگیر محور در چنین کلاس‌های درسی برای ارتقا یادگیری عمقی و راهبردی در یادگیرندگان بسیار مؤثر است. همچنین در آموزش شهروندی الکترونیک فراگیران از راهبردهای یادگیری فعال از جمله مناظره در مورد موضوعات جاری، مطالعات موردی، تحلیل موردی، توسعه نقشه مفهومی و... استفاده می‌کنند که فراگیران را در سطوح بالای یادگیری راهبردی قرار می‌دهد (لنتو، ۲۰۱۶). کاربرد این نوع از آموزش باعث محقق شدن انگیزه‌های در دانش‌آموزان می‌شود که ضمن پذیرش مسئولیت یادگیری خود به پذیرش مسئولیت یادگیری دیگران و حرکت به سمت یادگیری مشارکتی می‌شود (لو و همکاران، ۲۰۱۶). از سویی برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کلاس درس آموزش شهروندی الکترونیک تنها شامل صرف کردن زمان کلاس درس برای یادگیری فردی نیست بلکه شامل استفاده از انواع آموزش و یادگیری، تشویق فراگیران به پذیرش مسئولیت یادگیری خود، تقویت آنان در جهت رسیدن به یادگیری در حد تسلط در محتوا می‌شود (هلگسون، ۲۰۱۵؛ فاتح، ۲۰۱۵؛ است، ۲۰۱۴). تمامی شواهد فوق حاکی از فرصت‌ها و مزایای متعدد آموزش شهروندی الکترونیک برای تمامی عوامل دخیل در آموزش و پرورش از جمله معلمان و دانش آموزان است. البته این فرصت‌ها با چالش‌هایی نیز همراه است که در قسمت دوم پژوهش به آن پرداخته شد. در قسمت مرتبط با موانع آموزش شهروندی الکترونیک چهار مانع اصلی در ارتباط با آموزش شهروندی مجازی مورد شناسایی قرار گرفت که عبارت بودند از: موانع اقتصادی، موانع ساختار و موانع فرهنگی و اجتماعی. یکی از موانعی که در پژوهش حاضر در ارتباط با آموزش شهروندی الکترونیک مورد شناسایی قرار گرفت، موانع اقتصادی بود. موانع اقتصادی اشاره به آن دسته از موانع و چالش‌هایی دارد که در اثر مسائل مالی به وجود می‌آیند. این دسته از موانع از اهمیت بسزایی در رشد یا

1. Helgeson
2. Fautch
3. Sweet

مجازی مورد شناسایی قرار گرفت، موانع فرهنگی و اجتماعی بود. موانع فرهنگی و اجتماعی اشاره به موانعی دارد که به واسطه برخی از مسائل اجتماعی و فرهنگی منجر به مشکلات و چالش‌هایی در رشد شهروندی الکترونیک می‌شود. برخی از پژوهش‌ها عوامل فرهنگی و اجتماعی را عاملی مهم در توسعه یا عدم توسعه آموزش شهروندی مجازی معرفی کرده‌اند. به طور مثال کنتاسون و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود تحت سواد دیجیتالی در قرن ۲۱، بر وجود فرهنگ کار مشارکت، تعامل و گفت و گو به‌عنوان عاملی تأثیرگذار گسترش سواد دیجیتالی در بین شهروندان تأکید کرده‌اند. عباسی و همکاران (۱۳۹۷) نیز وجود منافع متضاد در بین ذی نفعان را عاملی مهم در رشد یا عدم رشد شهروندی الکترونیک معرفی می‌کنند. هاشمی (۱۳۹۷) ضعف در زیرساخت‌های فرهنگی را مانعی مهم در توسعه شهروندی الکترونیک و مجازی تلقی می‌کند. تمامی نهادهای آموزشی در هر جامعه‌ای در بافت خاص فرهنگی و اجتماعی خود مشغول به فعالیت است که این بافت‌ها تأثیر بسزایی در ابعاد مختلف آموزشی از جمله رشد و توسعه شهروندی الکترونیک دارند. نهادهای آموزشی که به‌دلیل نبود فرهنگ قوی، مساله ای چون شهروندی الکترونیک را اولویت خود نمی‌دانند هرگز به آن بها نخواهد داد تضاد مدرنیته و سنت در جوامعی چون ایران نیز یکی از عوامل مهم در رشد و توسعه شهروندی مجازی است، به‌طور مثال فرض کنید در آموزش شهروندی الکترونیک دسترسی به اینترنت قوی یکی از پیش فرض‌های مهم است ولی بخش سنتی جامعه این موضوع را نمی‌پسندد در این جاست که مساله تضاد بین سنت و مدرنیته پررنگ می‌شود. مثال فوق به نوعی چالش فرهنگی و اجتماعی هست که نگرش جامعه و نهاد آموزش و پرورش نسبت به شهروندی الکترونیک تحت تأثیر قرار می‌دهد. در هر حال به نظر می‌رسد که توجه پیش از پیش به موانع موجود بر سر راه آموزش شهروند الکترونیک و رفع آنها باید سرلوحه تصمیمات و برنامه‌های آموزشی قرار بگیرد.

منابع

سرافرازی، مهرزاد، معمارزاده، غلامرضا. (۱۳۸۸). شهروند مداری الکترونیکی شاخصی نو در استقرار شهر الکترونیک. *مجله عصر فناوری اطلاعات*، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۴۴، ص ۶۴-۷۱

فتحی و اجارگاه، کورش؛ ذبیحون، شهلا. (۱۳۸۸). شهروند الکترونیک. *مجله مدارس کارآمد* (۹): ۳۰-۳۴.

عباسی، حسن. (۱۳۸۶). آموزش دانش شهروندی، سیاست نظری

بودجه بر نمی‌گردد بلکه کوتاه نگری در نتایج اقتصادی حاصله از این برنامه‌ها را حتی می‌توان از تخصیص بودجه نیز مهم‌تر دانست. به عبارتی عینیت نگری کوتاه مدت به دلیل اختصاص بودجه به این نوع برنامه‌ها خود به چالشی عظیم در این راه مبدل شده است. بنابراین لازم و ضروری است تفکر خطی و کارخانه‌ای در آموزش شهروندی الکترونیک گذاشته شود، این نوع تفکر به دنبال بازده‌های یکسان با درون داده‌ای یکسان است اما حقیقت آن است که در مساله شهروندی الکترونیک ما با انسان‌ها سروکار داریم و نمی‌توان انتظار داشت با درون داده‌ای یکسان (پول، بودجه، امکانات) به نتایج یکسانی دست یافت چرا که تفاوت‌های موجود در انسان‌ها اثرات خود در نتایج را به جا خواهد گذاشت. فلذا در زمینه موانع اقتصادی توجه به دو مقوله از اهمیت خاصی برخوردار است، اول اینکه بودجه مناسبی اختصاص داده شود و دوم اینکه از تفکر یکسان نگری و کوتاه مدت در این زمینه پرهیز شود.

مانعی مانعی که در پژوهش حاضر در ارتباط با آموزش شهروند الکترونیک مورد شناسایی قرار گرفت، موانع ساختاری بود. موانع سازمانی اشاره به آن دست از چالش‌ها و مشکلاتی دارند که در درون یک سازمان منجر به ایجاد مانع در مقابل برنامه‌ها و طرح‌های آموزش شهروند الکترونیک می‌شود. این موانع ارتباطی با محیط بیرون ندارد و بیشتر از درون یک سازمان نشات می‌گیرد تا محیط پیرامونی. پژوهش‌های متعددی بر تأثیر عوامل ساختاری در آموزش شهروند مجازی و الکترونیک تأکید داشته‌اند. به‌طور مثال خاکپور (۱۳۹۷) در پژوهشی پیرامون شهروند مجازی از عواملی چون ساختار تصمیم‌گیری مناسب، توجه به آموزش و محتوا مناسب نام می‌برد که حاکی از تأثیرگذاری عوامل سازمانی بر آموزش شهروند مجازی است. پورکریمی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود بر عوامل سازمانی چون تصمیم‌گیری و رهبری در برنامه‌های مرتبط به تجهیز شهروندان به مهارت‌های الکترونیک تأکید می‌کنند. هانتز و تاچر (۲۰۱۷) نیز معتقدند که سازمان و قوانین آن نقش مهمی در اجرا یا عدم اجرای برنامه‌های مختلف از جمله شهروندی الکترونیک و مجازی دارند. باید گفت که ساختارها همانند تیغ دو لبه در آموزش شهروند الکترونیک عمل می‌کنند. سازمان از یک طرف می‌تواند تسهیل‌کننده رشد و توسعه شهروندی الکترونیک باشد و از طرف دیگر می‌تواند مانع آن باشد. عناصر درون سازمانی نقش بسیار مهمی در زمینه الکترونیک دارند. اگر در سازمان نگاه راهبردی حاکم نباشد بسیاری از مسائل مرتبط با رشد شهروندی الکترونیک نادیده گرفته می‌شود.

آخرین مانعی که در پژوهش حاضر در ارتباط با شهروندی

- International conference on computer design and applications. ICCDA.
- Reddick, Christopher. (2008). citizen interaction whit e-government: From the streets to servers. *Government information quarterly*. 22.pp.38-75.
- Velson, Lex van & et al. (2009). Requirements engineering for e-government services: A citizen-centric approach and case study. *government information quarterly*. 26.pp.477-486.
- Singh, A. K., Sahu, R., (2007). "Integrating internet, telephones, and call centers for delivering better quality e-governance to all citizens, " *Government Information Quarterly*.
- Jensen, M, Danziger, J, Venkatesh, A. (2007). Civil society and cyber society.
- Dekker, P. & de Hart, J. (2005). Goede Burgers? In: Dekker, P.& de Hart, J (eds.). *De Goede Burger. Tien beschouwingen over een morele categorie*. Den Haag, Nederland: Sociaal en Cultureel Planbureau, 11-19.
- Dobson, A. (2000). *Green political thought*. London, England: Routledge.
- Dower, N. (2010). The idea of global citizenship: A sympathetic assessment. *Global Society*, 14(4), 553-567.
- Dunn, J. (2005). *Setting the people free; the story of democracy*. Londen, England: Atlantic Books.
- Eagly, A.H. & Chaiken, S. (1993). *The Psychology of Attitudes*. Fort Worth (TX): Hartcourt Janovich College Publishers.
- Edserd, R, Usher. (2000). *Globalization and Pedagogy* (London and New York: Routledge
- Fukuyama, (1992). *The clash of civilizations the Remaining of the world order*. London: Touchstone.
- Gaventa, J., & Tandon, R. (2010). Citizen engagements in a globalizing world. In J. Gaventa & R. Tandon (Eds.), *Globalizing Citizens: New dynamics of inclusion and exclusion* (pp. 3-30). London, England: Zed Books.
- Golas, Alejandro. (2002). *International Civil Society*, (Cambridge: Polity Press), PP 27-48.
- Halak, Jacaues. (1998). *Education and Globalization*. EP. Newsletter, April-June.
- و تاسیسی، چاپ هشتم، تهران: نگاه معاصر.
- تافلر، الوین و هایدی. (۱۹۹۵). به سوی تمدن جدید، ترجمه محمدرضا جعفری، نشر سیمرخ، ۱۳۷۵.
- حسینی، غلامعباس. (۱۳۸۵). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران؛ *مجله انجمن جامعه شناسی ایران*. دوره پنجم، شماره ۲. فتحی واجارگاه، کورش. واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، شماره ۱۷، سال پنجم.
- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۸). اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی، تهران، انتشارات بال.
- فتحی واجارگاه، کورش، اعلائی، حسین. (۸۹-۱۳۸۸). تربیت شهروند جهانی، *فصلنامه مدارس*، شماره ۲۷.
- هاشمی، سهیلا. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی متوسطه و پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی بر اساس مولفه‌های آموزش صلح، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۰۴-۸۳.
- هاشمی، سید احمد. (۱۳۸۹). بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی از دیدگاه دبیران، *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، شماره ۱.
- هویدا، نادری. رضا، ناهید. (۱۳۸۸). بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*، سال نهم، شماره ۱.
- Andrews, R. and Mycock. (2007). Citizenship teaching and learning within a multinational state, citizenship teaching and learning, Vol.3.No 1, 73-88.
- Bardhan, P. (2006). Globalization and rural poverty. *Geraadpleegd van* <http://emlab.berkeley.edu/users/webfac/bardhan/papers/BardhanGlobalization.pdf>
- Benhabib, s. (2004). *The rights of others: Aliens, residents, and citizens*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cook, A.L. (2018). *Job Satisfaction and Job Performance: Is The Relationship Spurious?* Master's Thesis.
- M. (2009). *Burgerschapsconcepten in Vlaanderen: een internationale vergelijking*. In Pickery, J. (ed.): *Vlaanderen gepeild!* 2009 (pp. 28-61). Sint Niklaas: Room Commissie.
- Wang, Heng, Hou, Jinchang. (2010). *Main contribiotions of e-govenenace*.

- Loo, J. L., Eifler, D., Smith, E., Pendse, L., He, J., Sholinbeck, M., & Dupuis, E.A. (2016). E-citizen Instruction for Information Literacy: Five Instructional Cases of Academic Librarians. *The Journal of Academic Librarianship*, 42 (3), 273-280.
- White, C. McCollum, M. Bradley, E. Roy, P. Yoon, M., Martindale, J. & Worden, M. K. (2015). Challenges to engaging medical students in a online classroom model. *Medical Science Educator*, 25 (3), 219-222.
- Lento, C. (2016). Promoting active learning in introductory financial accounting through the virtual classroom design. *Journal of Applied Research in Higher education* 8 (1), 72-87
- Li, X & Huang, Z. J. (2017). An E-citizen classroom approach to educate MATLAB in chemical process control. *Education for Chemical Engineers*, 19, 1-12.
- vol, Xvi. No, 2.5.
- Harriet M. (2009). Educating The European Citizen in the Global Age. *Curriculum Studies*.41, No, 2, 247-267.
- Hart, M. (2011). e citizenship: A key to a world without poverty and inequality? In P. Hoebink (Ed.), *The Netherlands yearbook on international cooperation 2009*. (pp. 141-160). Assen, Nederland: Van Gorcum.
- Hento, I. (2011). *Barometer internationale samenwerking 2011*. Amsterdam, Nederland: NCDO.
- Het, E. (1993). The development of an instrument to measure global-mindedness (Doctoral dissertation, University of San Diego, CA).
- Hindess, B. (2002). Neo-liberal citizenship. *Citizenship Studies*, 6 (2), 127-143.
- Ichilov, O. (1998). *Citizenship and citizenship education in a changing world*, London Woburn press.
- Parekh, V & Biekart, K. (2009). Linking, learning, and leaving: Dutch experiments promoting global citizen action. In P. Hoebink (Ed), *The Netherlands Yearbook on International Cooperation (2008)*. (pp. 129-144). Assen, Nederland: Van Gorcum.
- Pietersma, H. (2009). Historisch jaar met een bescheiden feestje. Geraadpleegd van http://www.clingendael.nl/publications/2009/20090604_cdsp_feestje_pietersma.pdf.
- Rasinski, K & Scot, L. (1990). Culture, values, and beliefs about economic justice. *Social Justice Research*, 4(4), 307-323.
- Scaperlanda, A. (1999). Matters of economic justice. *Review of social economy*, 57(4), 419-426.
- Scheffer, P. (2007). *Het Land van Aankomst*. Amsterdam: De Bezige Bij.
- Schinkel, W. (2008). 'The Moralisation of Citizenship in Dutch Integration.
- Schuck, P.H. (2002). Liberal Citizenship. In Isin, E.F. & Turner, B.S. *Citizenship Studies: An Introduction* (pp. 131-144). London: Sage.
- World Commission on Environment and Development (1987). *Our common future*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Chen Hsieh, J. S., Wu, W. C. V., & Marek, M. W. (2016). Using the virtual classroom to enhance EFL learning. *Computer Assisted Language Learning*, 1-25.